

سیسهرغرب، گروه اقتصادی: نایبرئیس انجمن علمی آبخیزداری با تاکید بر ضرورت غیر قابل انکار مشارکت مردمی در آبخیزداری معتقد است که باید ۵۰ درصد اعتبارات سازمان جنگل‌ها، به مردمی کردن آبخیزداری اختصاص یابد.

مشارکت مردمی و استفاده از توان عظیم مردمی در آبخیزداری از مهم‌ترین مسائلی است که می‌توان آن را شاه‌کلید حل معمای پیچیده توسعه آبخیزداری در کشور دانست. یکی از الگوهای موفق تجربه مشارکت مردمی در آبخیزداری که بعد از انقلاب اسلامی تجربه شد، الگوی خراسان بزرگ است. درباره جزئیات این تجربه موفق و راهکارهای مؤثر در توسعه آبخیزداری در کشور گفت‌وگویی تفصیلی با دکتر حسین سعادت، طراح و مجری این الگو انجام دادیم. وی بازنشسته سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و در حال حاضر نایبرئیس انجمن علمی آبخیزداری است که در کارنامه عملی خود بنیان‌گذاری اداره آبخیزداری خراسان بزرگ در دهه ۶۰، مسؤولیت گروه برنامه‌ریزی و مطالعات وزارت جهاد سازندگی در دهه ۷۰ و عضو شورای عالی جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری به چشم می‌خورد.

❖ تعریف شما از آبخیزداری چیست و بفرمایید از چه زمانی با آبخیزداری آشنا شدید؟ آبخیزداری درواقع مجموعه اقداماتی است که موجب حفظ خاک و آب در جای خود می‌شود؛ به عبارت دیگر آبخیزداری باعث کنترل فرسایش خاک خواهد شد، پس در این روش به دنبال کاهش فرسایش خاک در کشور هستیم و اگر به‌درستی انجام شود، آبخیزداری کرده‌ایم. فرسایش خاک از زمانی که نخستین قطره باران به زمین می‌خورد آغاز می‌شود؛ در این زمان مهم آن است که بتوانیم خاک را در جای خودش تثبیت کنیم. زمانی که باران می‌بارد و تبدیل به سیل می‌شود این خاکی که از آن محصولات مختلف کشاورزی تولید می‌شود، شسته شده و به دریاها و رودخانه‌ها می‌ریزد و از دسترس ما خارج می‌شود، اما آبخیزداری می‌تواند این خاک را از فرسایش حفظ کند و درواقع هنر آبخیزداری این است که خاک را در منشأ حفظ کنیم.

بسنده متولد طبرستان هستم که در آن زمان در استان خراسان بزرگ قرار داشت و طوفان‌های شن سهمگین بسیار زیادی در آن اتفاق می‌افتاد چنانکه جاده‌ها و راه‌آهن را می‌بست و نمی‌توانستیم از خطوط مواصلاتی استفاده کنیم؛ حتی درب منزل روستاییان از شدت شن‌هایی که پشت آن می‌آمد، باز نمی‌شد. دولت نیز برای مقابله با این طوفان‌ها، عملیات تثبیت شن را انجام می‌داد. آشنایی بنده با حفاظت خاک و آبخیزداری به آن سال‌ها برمی‌گردد و من از همان سال‌ها به آبخیزداری علاقه‌مند شدم و در دانشگاه نیز رشته منابع طبیعی و آبخیزداری را انتخاب کردم.

❖ چه سالی وارد دانشگاه شدید و اساتید شما چه کسانی بودند؟

بنده در سال ۱۳۵۶ وارد دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران شده و در سال ۱۳۵۹ در رشته منابع طبیعی فارغ‌التحصیل شدم؛ در سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ نیز از همین دانشگاه مدرک کارشناسی ارشد خود را گرفتم. در سال ۱۳۸۱ نیز با هزینه شخصی برای تحصیل در مقطع دکتری به دانشگاه مگیل کانادا رفتم.

در کانادا و در مقطع دکتری روی مسئله تصاویر ماهواره‌ای در منابع طبیعی کار کردم. از اساتید ما در دانشگاه تهران می‌توان به دکتر نجخوانی، دکتر حسن

سیهرغرب، گروه اقتصادی: افزایش کیفیت کالاهای داخلی یکی از شاخص‌های اصلی اقتصاد مقاومتی است؛ اما باوجود اهمیت موضوع کیفیت و تأکید بر آن، چرا در اقتصاد ایران به این مسئله به‌صورت جدی پرداخته نمی‌شود؟ آیا این مسئله نشان از وجود مشکلات ساختاری و ریشه‌ای درزمینه ارتقای کیفیت در اقتصاد ایران نیست؟ «اعتماد» یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی است که وجود آن در جامعه باعث کاهش هزینه‌های مبادله و تسهیل مبادلات می‌شود و مزایای مثبت خارجی فراوانی برای جامعه ایجاد می‌کند. متأسفانه امروزه جامعه ایرانی از این سرمایه اجتماعی تا حد زیادی محروم بوده که یکی از مصادیق آن این است که مصرف‌کنندگان به توزیع‌کنندگان و تولیدکنندگان داخلی اعتماد ندارند.

کیفیت محصولات و ارائه مناسب خدمات که اعتماد عمومی به خدمات و تولیدات داخلی را افزایش می‌دهد، از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی محسوب می‌شود. نگرش‌های جدید در زمینه مدیریت کیفیت، اثبات کرده که ارزان‌ترین مسیر در فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها و مبالغاری تولیدکنندگان در بازارهای هدف، عبارت است از: «ارتقای کیفیت تولیدات.»

با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر توجه به کیفیت تولیدات داخلی در این مقاله در پی آن هستیم تا دلایل کاهش سطح کیفی تولیدات کالاهای داخلی را از ابعاد مختلف ارزیابی کنیم؛ البته موضوع کیفیت هم در بخش «خدمات» و هم در بخش «کالاهای» مطرح است؛ اما در این مقاله به مسئله پایین بودن کیفیت خدمات دولتی و خصوصی در ایران نمی‌پردازیم و فقط کیفیت کالاهای را در نظر خواهیم گرفت.

مهم‌ترین مزیت افزایش کیفیت کالاهای داخلی این است که منجر به افزایش قدرت رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای، افزایش تمایل بازار داخلی به خرید کالای بومی و کاهش واردات و وابستگی به خارج خواهد شد؛ همچنین افزایش کیفیت کالاهای داخلی یکی از شاخص‌های اصلی اقتصاد مقاومتی است و همین امر اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند، اما سؤالات اصلی این است که باوجود اهمیت موضوع کیفیت و تأکید بر آن، چرا در اقتصاد ایران به این مسئله به‌صورت جدی پرداخته نمی‌شود؟ آیا این مسئله نشان از وجود مشکلات ساختاری و ریشه‌ای درزمینه ارتقای کیفیت در اقتصاد ایران نیست؟

❖ کیفیت (Quality)

کیفیت کالای، توانایی و قابلیت کالا در انجام وظایف محوله و مورد انتظار است که شامل دوام، زیبایی

احمدی، دکتر حبیبی و دکتر مهدوی اشاره کرد که برخی از این اساتید هم فارغ‌التحصیل آبخیزداری از کشورهای خارجی بودند؛ مثلاً دکتر نجخوانی و دکتر مهدوی قبل از انقلاب از فرانسه فارغ‌التحصیل شده بودند. نخستین کتاب آبخیزداری توسط دکتر نجخوانی نوشته شد و در کنگره آبخیزداری که اخیراً در ارومیه برگزار شد، از ایشان تقدیر کردیم.

❖ فعالیت اجرایی شما در چه سالی آغاز شد؟ سال ۱۳۶۲ در سازمان جنگل‌ها و مراتع استخدام شدم. زمانی که به استخدام سازمان جنگل‌ها و مراتع درآمدیم، مسؤولان سازمان تصمیم گرفتند بنده را به‌عنوان کارشناس آبخیزداری سد اکباتان به همدان بفرستند. بنده به دلیل اینکه اشتیاق و انگیزه زیادی به کار داشتم و در همدان نیز به دلیل آغاز فصل سرما کار نبود پیشنهاد داده به جای دیگری که کار باشد فرستاده شوم، آن‌ها هم موافقت کردند و گفتند به سد مناب هرمزگان بروم.

به سد مناب رفتم و چند ماهی در این سد کار کردم، آنجا اوج کار بود؛ البته آن زمان مثل الان نبود که آبخیزداری شناخته شده باشد. آبخیزداری در شهرستان‌ها و حتی در مراکز استان هم شناخته‌شده نبود و آبخیزداری محدود به مناطقی می‌شد که سد داشتند. از همان زمان با توجه به درسی که خوانده بودم و رشته تحصیلی‌ام نیز آبخیزداری بود، معتقد بودیم که آبخیزداری، سد داری نیست.

در سال ۱۳۶۴ ازانجایی‌که استان خراسان اداره آبخیزداری نداشت از مسؤولان درخواست کردم به خراسان منتقل شوم و اداره آبخیزداری آنجا را تأسیس کنم و آن‌ها هم موافقت کردند و اداره آبخیزداری را با یک نفر همکار و یک موتورسیکلت راهاندازی کردم.

در آن زمان سد طرق و کارده نیز در دست احداث بود و کارشناس آبخیزداری آن سد هم بود. در چند ماه نخست که در استان خراسان بودم روی فرسایش بادی کار کردم. در آنجا شبانه‌روز کار کردم و به‌طور مستمر در حوزه ابخیز بسودم به‌طوری‌که شاید در هفته فقط سه ساعت خانه می‌رفتم. با همان موتورسیکلت به نقاط مختلف حوزه ابخیز می‌رفتم و کارها را انجام می‌دادم.

❖ زمانی که به استان خراسان وارد شدید، روی مباحث مشارکت‌های مردمی در آبخیزداری تأکید داشتید، چرا مشارکت مردمی در آبخیزداری برای شما اهمیت داشت؟

وقتی اداره منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان را پایه‌ریزی کردم هیچ امکاناتی و حتی بودجه کافی هم نداشتیم. کارهایی که باید می‌شد بسیار زیاد بود. هم کارشناس سد طرق و کارده و یک مسؤول اداره آبخیزداری خراسان بزرگ بودم با بودجه بسیار اندک استان خراسان بزرگ خودش ۳۰ میلیون هکتار بود و حوزه ابخیز سد طرق و کارده خودش به‌تنهایی ۱۷ هزار هکتار وسعت داشت که هفت روستا را شامل می‌شد؛ بنابراین تصمیم گرفتم از خود روستاییان و جوامع محلی برای امور آبخیزداری استفاده کنم و با مشارکت آنان کار آبخیزداری را پیش ببرم.

مهم‌ترین و مؤثرترین کارم این بود که به‌نحای مختلف با جوامع محلی صحبت کرده، آنان را با خودم

همراه و با موضوع آبخیزداری و حفاظت آب‌خواک آشنا کنیم؛ زیرا آنجا کارهایی که باید انجام می‌شد بسیار زیاد بود و باید برای مشکلات و مشکلات چاره‌اندیشی می‌شد. ازجمله این مشکلات دیم‌زارهای فراوانی بود که این زمین‌ها در جهت شیب زمین شخم زده می‌شد و این کار فرسایش شدید خاک را به دنبال داشت یا دیواره‌سازی زمین‌های حاشیه رودخانه و بسیاری کارهای دیگر.

❖ برای آغاز چه کارهایی انجام دادید؟

برای شروع کار آبخیزداری در این حوزه، روستایی را که در خروجی حوزه ابخیز قرار داشت و محل عبور و مرور اهالی روستاهای اطراف بود انتخاب کردم و برای اینکه جوامع محلی با آبخیزداری آشنا شوند در آنجا چند عملیات آبخیزداری انجام دادم و تأسیساتی را ایجاد کردم تا این سؤال برای مردم آن مناطق ایجاد شود که این‌ها چیست؟ تا بتوانم برای آن‌ها توضیح دهم.

آن زمان بیشتر رفت‌وآمد جوامع محلی با مینی‌بوس انجام می‌شد و من با راننده مینی‌بوس همراهی کرده بودم، به بهانه‌های مختلف در محل تأسیسات آبخیزداری توقف داشته باشم تا بتوانم برای آن‌ها توضیح بدهم و برای آن‌ها توضیح بدهم که در روستاهای اطراف پیچید که فردی از منابع طبیعی آمده و کارهایی را انجام می‌دهد؛ البته هزار هکتار وسعت داشت که هفت روستا را شامل می‌شد؛ بنابراین تصمیم گرفتم از خود روستاییان و جوامع محلی برای امور آبخیزداری استفاده کنم و با مشارکت آنان کار آبخیزداری را پیش ببرم.

مهم‌ترین و مؤثرترین کارم این بود که به‌نحای مختلف با جوامع محلی صحبت کرده، آنان را با خودم

آبخیزداری صحبت کنیم و از همه خواستیم در مسجد روستا جمع شوند. من هم ۲۰ دقیقه قبل از اینکه مراسم آغاز شود به مسجد رفتم، اما هر چه منتظر شدم، هیچ‌کسی از اهالی روستا به مسجد نیامد و همه به یکدیگر گفته بودند که این آقا از اداره منابع طبیعی آمده تا زمین‌هایمان را مصادره کند، به همین دلیل کسی در مسجد حاضر نشود؛ البته بنده هم با توجه به اینکه با آن محیط آشنا بودم و می‌دانستم گوش‌هایی وجود دارد که حرف‌هایم را می‌شنود، ازاین‌رو بیرون مسجد آمدم و در کنار مسجد بلند صحبت کردم.

این اتفاق برایم این هشدار را داشت که کار آبخیزداری به‌طور دستوری و از بالا به پایین جلو نمی‌رود؛ ازاین‌رو با شورای روستا ارتباط گرفتم. در آن زمان شوراهای روستا از قدرت زیادی برخوردار بودند و برای آن‌ها از اهمیت آبخیزداری و حفاظت خاک گفتم. کار دیگری که انجام دادم این بود که در اجتماعاتی که برای ایام عزا، شادی، محرم برگزار می‌شد و یا هر مناسبت دیگری که روستاییان و جوامع محلی جمع می‌شدند، نخستین فردی بودم که می‌رفتم با مردم از اهمیت حفاظت آب‌خواک و آبخیزداری سخن می‌گفتم و برای آن‌ها توضیح می‌دادم که ما نیامدهایم زمین‌های شما را بگیریم. بالاخره این صحبت کردن و زندگی چندساله با آن‌ها مؤثر واقع شد و اعتماد کردند و طی دو سه سال به‌گونه‌ای با آن‌ها مانوس شدم که بعد از مدتی این جوامع محلی نه‌تنها در کشاورزی و آبخیزداری حرف بنده را قبول داشتند، بلکه در امور شخصی مثل ازدواج، عروسی و خرید دام و غیره نیز از بنده مشورت می‌گرفتند؛ البته این اعتماد بسیار سخت به

تجربه آبخیزداری دهه ۶۰ در خراسان بزرگ

۵ هزار کارشناس آبخیزداری داریم

وجود آمد و این نتیجه زندگی شبانه‌روزی با آنان بود. **❖ این مشارکت مردمی چه نتایج و دستاوردهایی در حوزه آبخیزداری به دنبال داشت؟**

از نتایج بزرگی که مشارکت مردمی به دنبال داشت این بود که روستاییانی که حاضر نبودند حتی یک سانتیمتر از زمین‌هایشان را به کسی واگذار کنند، تصمیم‌گیری برای حدود دو هزار هکتار از زمین‌های خود را به ما واگذار کردند و ما بر اصول علمی برایشان تعیین می‌کردیم چه محصولی تولید کنند، زمینشان را چگونه شخم بزنند و چطور آبیاری کنند تا منجر به فرسایش خاک و هدر رفت آب نشود؛ این همان هدفی بود که از ابتدا داشتیم. اگر می‌خواستیم خودمان از ابتدای ورود به خراسان این کارها را انجام دهیم نه واقعاً هزینه این کارها را داشتیم و نه وقت و نه اینکه جوامع محلی با این‌چور کارها موافق بودند.

یکی از دستاوردها و نتایج مهم نیز آن بود که جوامع محلی قبول کردند همه مراتع حوزه ابخیز را به چهار منطقه تقسیم کنند و یک قسمت آن قرق شود و سه قسمت دیگر به‌صورت چرخی مورد بهره‌برداری اهالی برای چسرای دام قرار گیرد و این تصمیم می‌توانست در اصلاح، احیای مراتع و جلوگیری از تخریب آن‌ها مؤثر واقع شود.

کار دیگری که در این مدت انجام شد، دیواره‌سازی زمین‌های حاشیه رودخانه‌ها با کمک‌گیری از جوامع محلی بود که نقش مهمی در جلوگیری از فرسایش داشت. نکته جالب اینکه برای این دیواره‌سازی از ماشین‌های اوراقی استفاده شد که بلااستفاده مانده بودند و هیچ استفاده‌اس از آن‌ها نمی‌شد. به آن‌ها گفتیم این ماشین‌ها و لاستیک‌های بلااستفاده را بیاورید درون آن را سنگ بریزید و به‌عنوان دیوار برای زمین‌های کشاورزی خود استفاده کنید؛ این علاوه بر منفایعی که برای جوامع محلی داشت در جلوگیری از فرسایش خاک نیز مؤثر بود.

❖ رضایتمندی جوامع محلی از انجام عملیات آبخیزداری چه میزان بود؟

در طول سال‌های ۶۴ تا ۶۹ که در خراسان و حوزه ابخیز سد طرق و کارده کار کردیم، تقریباً همه راضی بودند؛ البته نمی‌توان گفت که صد درصد افراد راضی بودند اما تقریباً هر چیزی می‌گفتم، جوامع محلی عمل می‌کردند.

❖ کارهای انجام‌شده درزمینه آبخیزداری در بعد از انقلاب را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در دهه ۷۰ با تشکیل معاونت آبخیزداری در وزارت جهاد سازندگی کارهای بسیار خوبی در کشور درزمینه آبخیزداری انجام شد و نقطه عطف آبخیزداری در کشور همان دهه ۷۰ بود؛ اما به دهه ۸۰ به بعد اعتماد این است که باید به کیفیت آبخیزداری بیشتر توجه می‌شد. برای اینکه نشان می‌دادیم آبخیزداری مهم است باید کارهای بسیاری انجام می‌شد.

کاری که باید آن زمان پیگیری می‌کردیم، آن بود که باید آبخیزداری را مردمی می‌کردیم. اگر آبخیزداری استمرار پیدا نکرد، علش این بود که آن را مردمی نکردیم. باید آبخیزداری به مراکز و نهادهای مختلف مثل وزارت راه و شهرسازی،

وزارت کشور، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت کشاورزی و بسیاری نهادهای دیگر پیوند می‌خورد تا انسان در انجام پروژه‌ها اصول آبخیزداری را رعایت کندد و طرح‌ها پیوست آبخیزداری داشته باشد و از کارشناسان آبخیزداری در طرح‌ها استفاده می‌کردند. در حال حاضر هم این پیوند ضروری بوده اما متأسفانه همچنان این پیوند قطع است. ازاین‌رو مشاهده می‌شود مثلاً در احداث راه‌ها و جاده‌ها به اصول آبخیزداری و حفاظت خاک اعتنا نمی‌کنند و بعضاً می‌بینیم بعد از احداث جاده، خاک‌ها جمع‌آوری و به‌جای مناسب منتقل نمی‌شود و با کمترین بارشی که اتفاق می‌افتد، آب و سیل این خاک‌ها را با خود می‌برد و باعث فرسایش می‌شود یا اینکه در احداث راه‌ها، و معادن به استقرار پوشش گیاهی بعد از عملیات خاک‌برداری اهمیتی نشان داده نمی‌شود. اگر مثلاً بعد از احداث جاده عملیات درختکاری و استقرار پوشش گیاهی اتفاق بی‌افتد، شاهد کاهش چشمگیر فرسایش خاک خواهیم بود؛ در بخش‌های دیگر مثل صنعت و معدن نیز این مسئله دیده می‌شود.

❖ راهکارهای شما برای رشد و اعتلای آبخیزداری در کشور چیست؟

مهم‌ترین مسئله این است که همان‌طور که اشاره کردیم باید آبخیزداری مردمی شود و در این راه، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور نقش مهمی بر عهده دارد؛ این سازمان باید زمینه مردمی کردن آبخیزداری در کشور را فراهم کند و از تصدی‌گری آبخیزداری به سمت تولی‌گری حرکت کند. برای این هدف باید ۵۰ درصد اعتبارات سازمان جنگل‌ها به امر آموزش، سازمان‌دهی و اجرای فعالیت‌های آبخیزداری اختصاص یابد تا زمینه مشارکت هر چه بیشتر آحاد مردم فراهم شود.

سازمان جنگل‌ها نمی‌تواند همه‌کاره آبخیزداری باشد؛ عملیات مکانیکی آبخیزداری انجام دهد، عملیات بیولوژی، مدیریتی و کار رسان‌های انجام دهد، نظارت بکند و بسیاری کارهای دیگر، چراکه نه منابع کافی بودجه دارد و نه امکانات و نه نیرو و نه وقت.

البته شعار این کار‌ها داده می‌شود اما عمل نمی‌شود، برای این کار سستر کار هم فراهم است. در حال حاضر بیش از چهار پنج هزار لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری آبخیزداری داریم که می‌توانیم از این ظرفیت برای پیشبرد امور آبخیزداری و مردمی کردن آن در کشور استفاده کنیم.

یکی از راهکارهای دیگر برای توسعه آبخیزداری و حفاظت از منابع طبیعی که مورد غفلت قرارگرفته، استفاده از تصاویر ماهواره‌ای به‌منظور جلوگیری از فرسایش خاک است. تصاویر ماهواره‌ای به‌روز داریم و می‌توانیم در منزل با دفتر کار بنشینیم و تحولات منابع طبیعی را به‌صورت برخط رصد کنیم؛ مثلاً اگر کشاورزی ۱۰ هکتار زمین خود را برخلاف اصول آبخیزداری و در جهت شیب زمین شخم بزند، ببینیم و در صورت نیاز او تذکر دهیم؛ یا اینکه کسی جنگل‌ها و مراتع کشور را تخریب و نابود کند، به‌وسیله تصاویر ماهواره‌ای قابل رؤیت است، اگر منطقه‌ای نیاز به اصلاح یا احیا دارد با این تصاویر به‌آسانی ممکن است. به‌آسانی می‌توانیم از تصاویر ماهواره‌ای برای رصد و نظارت امور منابع طبیعی استفاده کنیم؛ البته این به شرطی است که هیئت دولت و مجلس و قوه قضائیه استفاده از فناوری‌ها برای اداره منابع طبیعی را به رسمیت بشناسند و اگر ۱۰۰ درصد انرژی برای این امر اختصاص یابد، اصف ارزش دارد.

غیررسمی را از بازار خارج کند و سهم این بخش را در اقتصاد کاهش دهد. این مسئله درنهایت منجر به افزایش کارایی در اقتصاد خواهد شد.

– حرکت اقتصاد به‌سوی کیفیت پایین و سود

بیشتر

متأسفانه شرایط اقتصادی و سیستم قیمت‌گذاری در اقتصاد ایران به نحوی شده که عرضه کالا باکیفیت کم منجر به سود بیشتر می‌شود و تولیدکننده که هدفش حداکثر کردن سود است، به این شیوه تولید متعامل می‌شود. درواقع شرایط بازار و اقتصاد، موجب عرضه کالای بی‌کیفیت می‌شود.

اگر هدف سیاست‌گذاران حمایت از تولید ملی است، باید به حمایت از کیفیت تولیدات بپردازند. همچنین افزایش کیفیت می‌تواند بیماری مزمن اقتصاد ایران، یعنی قاچاق به داخل را تخفیف دهد و منجر به تقویت تولیدات داخلی شود.

– ضعف قوانین خدمات پس از فروش اگر تولیدکننده بداند که در غالب تولیدات خدمات پس از فروش ملزم به پاسخ‌گویی بعد از فروش خواهد بود، از همان ابتدا به کیفیت کالاها توجه می‌کند؛ اما اگر مطمئن باشد که «کالای فروخته‌شده پس گرفته نخواهد شد» یا می‌توان از زیر بار مسؤلیت شانه خالی کرد، کیفیت نمی‌تواند شاخص مهمی باشد.

– نکته پایانی

در پایان اضافه کرد چند نکته ضروری است؛ ترویج استفاده از کالا و تولیدات ملی در میان مردم نیازمند ارتقای سطح کیفی تولید کالاهاست و مطمئناً مصرف‌کننده صرفاً به دلیل ایرانی بودن یک کالا، به خرید آن علاقه پیدا نخواهد کرد. کیفیت کالا و خدمات در اقتصاد، شاخصی بسیار مهم است و ارتباط مستقیمی با کیفیت زندگی دارد و نمی‌توان از مصرف‌کننده انتظار داشت (به‌ویژه اگر به دنبال کالای مصرفی بادوام است) پول خود را صرف خرید کالایی کند که کیفیت پایینی دارد، اما داخلی است. حفظ کیفیت مهم‌ترین عامل بقا و پایداری بنگاه تولیدی است درواقع می‌توان گفت که کیفیت عامل اصلی حمایت از تولید ملی است؛ بنابراین اگر هدف سیاست‌گذاران حمایت از تولید ملی است، باید به حمایت از کیفیت تولیدات بپردازند. همچنین افزایش کیفیت می‌تواند بیماری مزمن اقتصاد ایران، یعنی قاچاق به داخل را تخفیف دهدد و منجر به تقویت تولیدات داخلی شود.

درزمینه تأثیر واردات بر کاهش قدرت تولیدکننده‌های داخلی نیز می‌توان گفت که وجود واردات در کنار کیفیت بالای تولیدات داخلی می‌تواند منجر به رقابت بیشتر و حتی ایجاد فرهنگ استفاده از کالاهای داخلی در بلندمدت شود.

❖**سید پرویز جلیلی کامجو**

چرا کیفیت کالاهای ایرانی مطلوب نیست؟

ظاهری، قابلیت اعتماد، تعمیرپذیری آسان، سهولت استفاده و سازگاری با محیط زیست، در کنار قیمت مناسب است و در تعیین جایگاه کالا در بازار و نزد مصرف‌کنندگان، نقش بسزایی ایفا می‌کند. کیفیت را از سه بُعد تولیدکننده، مصرف‌کننده و قوانین می‌توان مورد تجزیه‌وتحلیل کرد؛ اما در هر مورد نیز در چند بخش قابل بررسی است.

❖ عوامل مربوط به تولیدکننده

– بخش بخش تولید در ایران به دلایل مختلف ازجمله ضعف شاخص‌های ۱۰ گانه کسب‌وکار، نوسانات سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز، افزایش خطرپذیری در تولید، نرخ بهره بالا و سیستم نامناسب تأمین مالی، سودآوری بخش واسطه‌گری، عدم حمایت دولتی به‌خصوص در بخش هدفمندس‌ی یارانه‌ها، دستوری بودن نرخ بهره و قیمت برخی کالاهای و دستمزدها و مراد دیگر ضعیف شدن دولت در بخش عرضه کالاهای باکیفیت می‌شود.

– نوسانات قیمتی و افزایش خطرپذیری تولید وجود نوسانات قیمتی محصولات و نهاده‌ها، اجاره (R&D) و موارد دیگر می‌شود.

بخش تولید در ایران به دلایل مختلف ازجمله ضعف عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز، افزایش خطرپذیری در تولید، نرخ بهره بالا و سیستم نامناسب تأمین مالی، سودآوری بخش واسطه‌گری، عدم حمایت دولتی به‌خصوص در بخش هدفمندس‌ی یارانه‌ها، دستوری بودن نرخ بهره و قیمت برخی کالاهای و دستمزدها و غیره ضعیف شده‌است و این امر منجر به عرضه کالای کم‌کیفیت خواهد شد.

– نبود ارتباط بین این دو بخش از جامعه در ایران، فقط مربوط به بخش صنعت نیست و دانشگاه نیز تمایلی به هماهنگی با صنعت، ارائه راه‌حل‌های لازم و تربیت نیروی انسانی کارآمد و متناسب با نیاز صنعت ندارد. به‌صورت دقیق‌تر عرضه و تقاضا در ارتباط دانشگاه و صنعت متفاوت هستند.

– افزایش کیفیت سیستم تولید

افزایش کیفیت امری اجباری نیست و در کوتاه‌مدت قابل دسترس نیست. لازمه آن افزایش کیفیت سیستم تولید، نیروی کار، مدیریت، فناوری و درمجموع افزایش کیفیت تمام عوامل تولید به‌ویژه سیستم و مراحل تولید است.

– تقویت خرید پایین و عدم درخواست کیفیت بالا خریداران به دلیل قدرت پایین خرید، ابتدا به قیمت توجه می‌کنند تا کیفیت. برعکس تئوری‌های اقتصاد خرد که در بازارهای رقابت انحصاری، بنگاه‌ها اصولاً به رقابت غیرقیمتی روی می‌آورند، در اقتصاد ایران به دلیل انحصار رقابتی، مانند وسایل برقی و صنایع تولیدی، رقابت‌پذیری در اقتصاد شود تأثیر مستقیم و منفی بر کیفیت تولیدات دارد.

– اقتصاد پنهان

یکی از معضلات هر اقتصادی، اقتصاد پنهان یا سیاه است. بیشتر کالاهای بی‌کیفیت ایرانی در بخش غیررسمی، تولید و عرضه می‌شوند. افزایش کیفیت کالاها می‌تواند کالاهای تولیدشده در بخش